

Wort des Tages لغت روز , gemütlich

Gemütlichkeit

written by مرتضی غلام نژاد | فوریه 26, 2017

gemütlich یک صفت می باشد

دنج ، دلنشین ، مطبوع ، دلخواه ، آسوده ، آرام ، مهربان ، خوشرو

Eine gemütliche Wohnung

یک آپارتمان آرام و دنج

Diese Wohnlage ist sehr gemütlich

این منطقه مسکونی خیلی آرام و دنج است.

In der Küche war es gemütlich warm

در آشپزخانه گرمای مطبوعی بود

Ein gemütlicher alter Herr

یک آقای کهنسال مهربان و خوشرو

Gemütlich spazieren gehen

به صورت دلخواه به پیاده روی رفتن

Jemanden zu gemütlichem Beisammensein einladen

کسی را به گپ و دورهمی دلنشین دعوت کردن

مروری بر یک نکته گرامری : در درس های گذشته گفته بودیم که فعل einladen همیشه به همراه حرف اضافه zu می آید ، درست همانند فارسی که ما کسی را به جایی یا به چیزی دعوت میکنیم.

کسی را jemanden -> اکوزاتیو Akkusativ

به zu -> حرف اضافه داتیو ساز +Dativ

دعوت کردن einladen -> فعل جمله

Darf ich dich zum essen einladen?

اجازه دارم تو را به صرف غذا دعوت کنم ؟

که در مثال بالا ، تو را dich -> اکوزاتیو Akkusativ

اسم جمله Das Essen

حرف اضافه zu که داتیو ساز است

که می شود zu dem Essen و همیشه خلاصه آنرا می نویسیم

zum Essen به صرف غذا

اما می توانیم با اضافه کردن پسوند keit به صفت gmütlich از آن یک اسم مونث بسازیم.

مروری بر یک نکته گرامری : در درس های گذشته گفتیم که یکی از سیگنال ها برای تشخیص اسامی مونث ، پسوند keit است ، یعنی هر اسمی که انتهای آن به -keit ختم بشود ، آرتیکل آن die است و آن اسم نیز یک اسم مونث است در زبان آلمانی.

Die Gemütlichkeit یک اسم مونث می باشد

آسایش ، آسودگی ، راحتی

Er trank in aller Gemütlichkeit sein Bier aus

او در کمال آرامش آبجو اش را سر میکشید.

trinken نوشیدن

austrinken تا ته چیزی را نوشیدن ، سر کشیدن

اصطلاح :

Ein Prosit der Gemütlichkeit!

می نوشیم به سلامتی رفاه و آسایش

Wenn der Chef kommt, ist die Gemütlichkeit flöten

اگر رئیس بیاید ، آسایش و آسودگی رخت بر میبندد

به زبان ساده تر اگر رئیس بیاید ، باید جلوی اون کار کنیم و نمی توانیم یک لحظه هم آسایش و آسودگی داشته باشیم.

در مورد فعل flöten چند برداشت وجود دارد که آنها در ادامه ذکر خواهیم کرد.

نی زدن ، فلوت زدن

با صدای بلند چهچه کردن
بسیار تملق آمیز و فریبنده صحبت کردن

اما معنی آخری که می شود به آن اضافه کرد ، دور شدن و از بین رفتن است. درست همانند صداهای که از یک فلوت و نی در
می آیند و بعد از چند صدم ثانیه از بین میروند.
ما فارسی زبان ها معمولا می گویم : چیزی رخت می بندد ، پس هرگاه خواستیم جملاتی از این دست در آلمانی بگوییم ، می
توانیم فعل flöten را به کار ببریم. همانند مثال بالا که گفتیم :

Ist die Gemütlichkeit flöten
آسایش و آسودگی یا راحتی رخت بر میبندد.